

قانون در حوزه احوال شخصیه حریف عرف نمی شود

# سن ازدواج یا اجبار در ازدواج، مساله این است

فعالان حقوق کودک معتقدند آمار بالای کودکانی که پیش از رسیدن به بلوغ «فکری و ذهنی» از دواج می کنند حکایت از گستره بالای این پدیده دارد و در آینده بر «سلامت» خانواده‌های ایرانی تاثیر منفی خواهد گذاشت. این فعالان بر مشخص شدن سنی قطعی و قانونی برای ازدواج تاکید می کنند و معتقدند تا مشخص شدن الزامات قانونی نمی توان از این پدیده جلوگیری کرد.



آذر فخری، روزنامه نگار

**اول:** روزی بود روز گاری بود، یک دایه بزرگ بود که مدام به خانه خواهرهایش سری می زد، چون وظیفه خودش می دانست که هوای خواهرهایش را داشته باشد. اما این هواداری و هواخواهی، حاشیه‌های دیگری هم داشت. دایه، مترصد رسیدن هر کدام از دخترهای خواهرانش و حتی برادرانش، به سنی بود، که خودش اسمش را گذاشته بود «وقتشه». «وقت» هر کدام از دخترها که می رسید، دایه به تکاپو می افتاد برای پیدا کردن شوهر برای او. این وقتشه، حداقل بین ۱۳ تا ۱۵ سالگی بود. بعد از ۱۵ سالگی، دایه دیگر امیدی برای دخترک نداشت. تقریباً و راز دست‌دفته می دانست. دایه خودش پنج تا دختر داشت که همه را قبل ۱۵ سالگی عروس کرده بود؛ به میمنت و مبارکی! اما وقتی یکی از خواهرها در مقابل دایه ایستاد و گفت ترجیح می دهد دخترهایش درس بخوانند و خودش عقل رس که شدند، تصمیم بگیرند، دایه با اندوه و احساس مصیبت گفت که پس دخترهایت مانند بیخ ریش ما!

**دوم:** این روزها عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، خانم کبری خزعلی، گفته کسی حق ندارد جلوی ازدواج «کودکان» زیر ۱۸ سال را بگیرد، چون این «کودکان» توانایی جسمی و بلوغ دارند و باید

توانند ازدواج کنند و قانون باید از آن‌ها حمایت کند. اما اگر شرط انجام هر کاری، کافی و وافی به توانایی جسمی باشد، پس باید خیلی از کارها را کودکان بتوانند انجام بدهند، مثلاً «کار» کنند، چون بدنشان می کشد که زباله جمع کنند، سر چهار راه گل و فال بفرشند، می توانند جارو در دست بگیرند و برای شهرداری جارو کشی کنند. که خوب می بینیم می شود. برای تمام مواردی که نام برده شد، کافی و وافی به مقصود است.

**سوم:** شهرها و روستاهایی هستند که به شدت تابع عرف و سنت‌های آن چندان مربوط به دین مذہب‌اند. یعنی خیلی از مسائل عرفی و سنتی در بین آن‌ها تابووار رعایت یا پرهیز می شوند و با هیچ قانونی نمی توان آنان را واداشت که از این تابوهای عرفی فرهنگی شده، دست بردارند و کوتاه بیایند. یکی از این موارد، ازدواج دختران در سنین پایین است. نر می که آن جامعه و خانواده‌ها، به شدت به آن پای بندند و پیش آمده که حتی با داماد با ادامه تحصیل دختر، باز او را واداشته‌اند که ازدواج کند. درس خواندن، منافاتی با ازدواج ندارد و این دختران گاه توانسته‌اند در بستر خانواده‌ای که زود هنگام تشکیل داده‌اند، وارد دانشگاه هم شوند.

**چهارم:** لایحه‌ای در مجلس مطرح شده، در ارتباط با جلوگیری از ازدواج زود هنگام کودکان. تصویب این لایحه، به دلایل مختلفی، مدام

به تعویق می افتد. یکی از این دلایل، عدم اجماع نمایندگان در مورد سن ازدواج است. در شکل ابتدایی این لایحه، سقف سنی مناسب برای ازدواج ۱۵ سال بود. اما برخی نمایندگان، با این سن مشکل داشتند و اصرار داشتند که آن را تا ۱۳ سال پایین بیاورند. و خوب احتمالاً اصرار آنان به همان دلایل عرفی حاکم بر منطقه خودشان بوده و این که گاه نمی توان بدون فرهنگ و زمینه سازی‌های لازم، در برابر عرف ایستاد. چون مردم دچار تعارضاتی با مسئولین خود می شوند مبنی بر عدم درک وضعیت و شرایط و نیز عدم همدلی. خانم طیبه سیاوشی، نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس، در مورد این لایحه می گوید در شکل نهایی، سن ازدواج برای دختران ۱۶ و برای پسران ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. البته اشاره می کند که اظهار نظر فقها برای اصلاح سن ازدواج امری ضروری است. اما نمایندگان موافق این لایحه تاکید دارند بلوغ فکری و عقلی برای ازدواج دختران لازم است. و تنها بلوغ جسمی نباید معیار ملاکی برای جواز ازدواج زود هنگام آنان باشد. نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی می گوید دخترانی که در سنین پایین ازدواج و هم اکنون زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند، دچار آسیب‌های زیادی شده‌اند، زیرا از تجربه دوران کودکی و نوجوانی خود محروم گشته‌اند.

**پنجم و چند آمار:** بر اساس

**گاه نمی توان بدون فرهنگ و زمینه سازی‌های لازم، چون مردم دچار تعارضاتی با مسئولین خود می شوند مبنی بر عدم درک وضعیت و شرایط و نیز عدم همدلی.**

آمارهای منتشر شده توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، پیش رسی ازدواج- نسبت مردان و زنانی که در سن کمتر از ۱۵ سالگی ازدواج می کنند- در سال ۱۳۹۲ به ترتیب برای مردان ۰.۴ درصد و برای زنان ۵.۴ درصد است. این رقم با افزایش برای دختران در سال ۹۳ به ۵.۶ درصد رسیده و در سال‌های ۹۴ و ۹۵ نیز به ترتیب رقمی معادل ۵.۴ و ۵.۵ را نشان می دهد. این رقم در ۹ ماهه نخست سال ۹۵، ۰.۵ درصد برای پسران و ۵.۵ درصد برای دختران است. فعالان حقوق کودک معتقدند آمار بالای کودکانی که پیش از رسیدن به بلوغ «فکری و ذهنی» از دواج می کنند حکایت از گستره بالای این پدیده دارد و در آینده بر «سلامت» خانواده‌های ایرانی تاثیر منفی خواهد گذاشت. این فعالان بر مشخص شدن سنی قطعی و قانونی برای ازدواج، تاکید می کنند و معتقدند تا مشخص نشدن الزامات قانونی نمی توان از این پدیده جلوگیری کرد. بر همین اساس آمارها نشان می دهند که در

سال ۲۲۰.۹۰ کودک؛ سال ۹۱، ۱۸۷ کودک؛ سال ۹۲، ۲۰۱.۹۲ کودک؛ سال ۹۳، ۱۷۶ کودک و در سال ۹۴، ۱۷۹ «کودک زیر ۱۰ سال» تن به ازدواج داده‌اند؛ این در حالیست که آمارهای رسمی تنها محدود به ازدواج‌های ثبت شده در دفاتر رسمی است و چه بسا این تعداد به دلیل عدم ثبت ازدواج کودکان بدون شناسنامه و یا عدم ثبت رسمی و قانونی ازدواج‌های چند همسری تغییر یابد.

بنظر می رسد، تاخیر تصویب لایحه جلوگیری از ازدواج زود هنگام کودکان، با موانع و مشکلات خیلی عمیق تری مواجه است. موانعی که به این زودی‌ها و به این راحتی‌ها نمی توان بر آن‌ها فائق آمد. «فرهنگ ازدواج و خانواده» از آن مقصولات بسیار مهمی است که معمولاً در مورد چنین جوامعی، مورد غفلت واقع شده و یا با سهولت انگاری با آن برخورد شده است. شاید علت اساسی اش این باشد، که اصولاً مسئله ازدواج و خانواده، در جوامع ما، امری خصوصی است و به سرپرست خانواده و تصمیم و خواست مستقیم او مربوط می شود و دولت و شرع، بر اساس مبحث شرعی «ابوت»، نمی تواند ورود چندانی به این ماجرا داشته باشد. و اگر ورود کند، مصداق دخالت بر مسائل خصوصی و خانوادگی مردم می شود! ششم و باز هم چند آمار: «۲۴ هزار کودک زیر ۱۸ سال بیوه شده‌اند». معصومه آقاپور نماینده شیبتر در مجلس شورای اسلامی می گوید: «۲۴ هزار فقط یک عدد نیست. تلنگری تکان دهنده است از پدیده شوم ازدواج کودکان. در خراسان رضوی و آذربایجان شرقی که رتبه‌های اول و دوم ازدواج کودکان در کشور را به خود اختصاص داده‌اند، برخی خانواده‌های نیازمند که نمی توانند هزینه زندگی شان را تأمین کنند، کودکان ۹ و ۱۰ ساله خود را به ازدواج افراد مسن در می آورند و بدین ترتیب کودک خود را می فروشند».

محمد لطفی، فعال حقوق کودکان و نماینده در کنوانسیون حقوق کودک قوه قضاییه، چنین توضیح می دهد: «تضادهای اجتماعی ما پیچیده تر از بازدارنده‌های جامعه شده است. در واقع مکانیسم‌ها برای حل این تضادها، پاسخگوی عمق آن نیست و باید برای آن بازاندیشی شود. شما به تمام موارد نقض حقوق کودکان که دقت کنید؛ در ازدواج کودکان، وقتی وارد ماندگی از تحصیل کودکان

**نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی می گوید دخترانی که در سنین پایین ازدواج و هم اکنون زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند، دچار آسیب‌های زیادی شده‌اند، زیرا از تجربه دوران کودکی و نوجوانی خود محروم گشته‌اند**

می شویم، در بحث تابعیت و کودکان بی هویت، در همه این موارد با خلا مواجهیم. هر مساله ساده‌ای تبدیل به بحران می شود. خب چهار مساله ساده‌ای در جامعه تبدیل به بحران می شود؟ این مساله پیام مهمی دارد: مکانیسم‌ها پاسخگو نیستند.» او تاکید می کند: «وقتی شرایط و بنای اجتماعی تغییر می کند، قوانین هم باید تغییر کنند. دولت نمی تواند ضمانت اجرایی مسایل مختلف را فراهم کند، و این مشکل بزرگی در اجرای قوانین است. در واقع میزان شکست قانون، از افراد قانونمند بیشتر است. مثلاً در حوزه کودکان نه تنها خود معضلات این حوزه به راحتی حل نمی شود، بلکه مسایل مربوط به جامعه هم در خصوص کودکان به راحتی حل نمی شود. حتی برای فعالان حقوق کودکان هم خلا و محدودیت‌های زیادی وجود دارد.» بگویم هفت و تماش کنیم: همه این‌ها را گفتیم که بگویم، در مسئله ازدواج کودکان، مشکل اساسی، سن ازدواج نیست. بلکه آن چنان که عده‌ای اصرار دارند، ممکن است، دختری، به هر دلیلی بخواهد زود ازدواج کند، این تصمیمی است که به او و خانواده‌اش مربوط می شود و البته تبعاتش را هم می پذیرد. نرم سنی و بالا و پایین شدن شدید آن در استان‌های مختلف، نشان می دهد که اساساً هیچ تعریف و حد و مرز خاصی در مورد بلوغ جسمی وجود ندارد، چه برسد به بلوغ عقلی و اجتماعی. مثلاً در مورد سن ازدواج، زهرآ آیت‌اللهی، رییس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده در شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان نهادی اقراه‌های که در زمینه خانواده به سیاست گذاری می پردازد، معتقد است مساله قابل توجه، اساساً «سن» مشخص برای ازدواج نیست، بلکه «از دواج اجباری» در همه سنین غیر قانونی است و نمی توان با پرداختن به موضوع «سن» در زمان ازدواج، مساله‌ای را حل کرد.

از گوشه و کنار

## بیکری جدی ساماندهی نوزادان بی هویت استان تهران



معاون سیاسی و اجتماعی استانداری تهران گفت: برای ساماندهی نوزادان بی هویت متولد شده در بیمارستان‌های استان تهران عزم جدی داریم. شکراله حسن بیگی با بیان این مطلب در دومین نشست کار گروه بانوان و خانواده استانداری تهران گفت: استان تهران برای نخستین بار در کشور، اقدام به ساماندهی نظام مند و عملیاتی نوزادان بی هویت کرده است که با اجرای موفق این طرح در استان تهران، می توان به عنوان الگویی مناسب برای اجرا در استان‌های دیگر که مشکلاتی مشابه در این موضوع دارند، استفاده کرد. رئیس کار گروه تخصصی امور بانوان و خانواده در ادامه به موضوع ضرورت هماهنگی دستگاه‌های اجرایی کردن این برنامه به طور جدی تاکید کرده و گفت: بهزیستی، ثبت احوال، دادسرا، بیمه سلامت، فرمانداری‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی موظفند تمام مصوبات کار گروه در این خصوص را اجرا نموده و نتیجه را به صورت ماهیانه به استانداری اعلام کنند. حسن بیگی در ادامه موضوع مخارج درمانی نوزادان بی هویت که به دلیل نداشتن کد ملی از بسیاری از خدمات دستگاه‌های خدمات رسان محروم هستند را نیز از مباحث مهم و جدی مورد طرح در کار گروه عنوان کرد و از دستگاه‌ها خواست برای رفع این مشکلات، پیشنهادهای خود را به کار گروه اعلام کنند.

## قدر شناسی از جوانان گشایش مسیرهای رشد و ترقی



سردار غیب پرور رئیس سازمان بسیج مستضعفین در اختتامیه یازدهمین دوره لیگ علمی پایا و ویژه دانش آموزان با استعداد علمی گفت: من مفتخرم در کشوری زندگی می کنم که مزین به وجود جوانانی با استعداد است و به برکت انقلاب اسلامی این جوانان تبدیل به حقیقت جامعه ما شده‌اند و روز به روز شاهد شکوفایی و ترقی آن‌ها هستیم. سردار غیب پرور با اشاره به مأموریت مسئولین در قبال جوانان با استعداد گفت: مسئولین کشور باید قدر شما جوانان را بدانند و راه قدر شناسی از شما گشایش مسیرهای رشد و ترقی است. به لطف خداوند و انقلاب اسلامی ایران زمینه رشد و شکوفایی جوانان مستعد مهیا شده است. سردار غیب پرور با اشاره به مهمترین طرح جامع سازمان بسیج برای مدیریت هفدهمفرد استعدادهای علمی کشور گفت: سازمان بسیج مستضعفین مفتخر به طراحی مهمترین پروژه راهبردی در حوزه تربیت نسل آینده است این طرح، زمینه ساز رشد استعدادها و جوانان کشور خواهد بود. رئیس سازمان بسیج مستضعفین خاطر نشان کرد: ما در این طرح، قصد تصدی گری مأموریت‌های دولت را نداریم بلکه به عنوان همکار در کنار دولت و به خصوص مأموریت‌های وزارت آموزش و پرورش هستیم.

## هوا خنک شد، متکدیان برگشتند!

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی «خنکی هوا» را علت بازگشت متکدیان به تبریز عنوان کرد. علیرضا بیگی، درباره چرایی بازگشت دوباره متکدیان به تبریز گفت: پدیده تكدی گری در تبریز اصلاً بروز و ظهور ندارد آن چه که به عنوان تكدی گری در آن جا وجود دارد، مربوط به حضور مسافران نیازمندی است که در این شهر اقدام به تكدی گری می کنند. وی می گوید تكدی گری، در تبریز به شکلی که در خیابان‌های تهران و سایر شهرهای کشور به صورت آشکار دیده می شود، وجود ندارد. تبریز تشکیلات منسجمی داریم که نیازمندان از طریق آن‌ها شناسایی و گردآوری می شوند. نماینده مردم با تاکید بر این که مردم تبریز به متکدیان کمک نمی کنند و همه کمک‌های شان را از طریق موسسات که در این زمینه فعالیت می کنند به نیازمندان می رسانند، خاطر نشان کرد: حتی اگر متکدیان در شهر تبریز فعالیت کنند، قطعاً توسعه پیدا نمی کند و فضای مناسب برای تكدی گری در تبریز مهیا نیست.

یادداشت

## خودسوزی با حسادت



فانزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

بی گمان راجع به چشم و هم چشمی، حسادت، بدخواهی، زسراب زدن و چوب لای چرخ گذاشتن شنیده‌ایم و حتی در مواردی این احساسات را در زندگیمان با گوشت و پوست و استخوان لمس و تجربه کرده‌ایم. بر اساس یافته‌ها و پژوهش‌های متعدد در حوزه روانشناسی ریشه و منشأ بسیاری از مشکلاتی که خیلی از انسان‌ها در آن گرفتارند، نهفته در مشکلات و مسایل فرهنگی و اجتماعی است. بطور کلی میتوان گفت دیالوگ ماندگار استاد عزت الله انتظامی در فیلم «خانه‌ای روی آب» که می گوید: «توی این مملکت بخل، حسادت و تنگ نظری شغل دوم همه مردم»؛ با زبانی تلخ و دقیق گویای اندر احوالات جامعه امروزی ما است. جامعه‌ای که حسودورزی و تنگ نظری در آن تا جایی پیش می رود که نه تنها؛ پیشرفت دیگران

خوشحال نمی شویم بلکه در بسیاری از موقع حالت حزن و اندوه تمام وجودمان را فرا می گیرد و موجب تشنج و برهم خوردن نظم در روال عادی و معمول زندگیمان می شود. روانشناسان بر این باورند که «حسادت» یک از آن دسته احساساتی است که بدون وجود ارتباط اجتماعی و کنش متقابل انسانی نمی تواند وجود خارجی داشته باشد؛ این احساس منفی و غیراخلاقی با دیدن امتیازی که نداریم یا آرزو داریم که تنها و فقط خودمان مالک آن باشیم، در ما به راه می افتد و وجودمان را همچون آتشی که خرمنی را می سوزاند به آتش می کشاند. حسادت در واقع یک واکنش ذهنی به وضعیت نامطلوب اجتماعی است که از طریق مقایسه مزایا و موقعیت‌های دیگران ساخته می شود و دقیقاً هر جا سخن از مقایسه فرد با افراد دیگر در میان باشد و بالطبع احساس ناخوشایند کهرتی در شخص شکل بگیرد، در پای حسادت در آنجا دیده می شود. «حسادت» یک واکنش هیجانی است که از ترکیب تجربه حالات روانی ناخوشایند از جمله حقارت، بی عدالتی ذهنی

و خشم بوجود می آید و اغلب افراد تمایل دارند تا آن را از دید دیگران پنهان نمایند. از اینرو چون حسادت یک احساس اجتماعی تلقی می شود، نقش جامعه و فرهنگ در شکل گیری و تشدید آن بسیار حایز اهمیت است و در همین راستا شدت و میزان این هیجان منفی، کیفیت زندگی اجتماعی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد و زمینه‌ای را ایجاد می کند تا میزان رضایت فرد از ارتباط و تعامل با اجتماع کاهش یابد.

از منظر رویکردهای مختلف روانشناسی «حسادت» به عنوان یکی از هیجانانامان از حدود دو سالگی آغاز می شود و با رشد طبیعی کودک، ممکن است تا بزرگسالی ادامه پیدا کند و بر طبق الگوهای مختلف فرزندپروری، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ممکن است به صورت‌های مختلفی نمایان شود. حسادت در دوران کودکی پاسخی طبیعی به محرک‌ها، موقعیت‌ها، شرایط خاص محیطی و روابط اجتماعی است و زمانی که فرد احساس کند در حال از دست دادن عاطفه یا محبتی است که مالک آن بوده و حال آنکه این دوست داشتن از او دریغ شده ایجاد می شود. می توان گفت در الگوی حسادت، غالباً نوعی «ترس» مشهود است که در نامناسب ترین موقعیت‌ها ظاهر می شود و ریشه در